



واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی - اجتماعی در کودکان پیش دبستانی

سعید سجادی اناری^{۱*}، غلامعلی افروز^۲، معصومه ضابطی آرانی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: پیوند روشنی بین کیفیت برنامه سال‌های اولیه کودکی و موفقیت تحصیلی و اجتماعی فرد در سال‌های آتی زندگی وجود دارد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی - اجتماعی در کودکان پیش دبستانی به انجام رسید.

روش پژوهش: روش پژوهش مطالعه حاضر، کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. نمونه پژوهش ۲۰ نفر از مادران بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش با تکیه بر تجارب زیسته مادران و با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته در مورد نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی - اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفت. برر سی روایی صورتی بر سش‌های م صاحبه، با نظرا ساتید گروه روان‌شناسی و صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های کیفی انجام شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی و نرم افزار MAXODA نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر در ۲ مضمون اصلی، مهارت‌های شناختی با ۷ زیرمضمون «حافظه فعال، پردازش دیداری، باز شنا سی، یادآوری و پردازش اطلاعات، حل مسأله و بازی‌های هدفمند» و مهارت‌های اجتماعی با ۴ زیرمضمون «خانواده، کلاس‌های آموزشی، ارتباط با هم‌سالان و توانمندی در مهارت‌های اجتماعی» به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این که موفقیت کودکان در مدرسه به رویدادهایی بستگی دارد که قبل از سن مدرسه تجربه کرده‌اند، لازم است که کودکان قبل از ورود به دبستان با انجام برنامه‌های هدفمند در مهارت‌های بنیادی مانند مهارت‌های شناختی و اجتماعی که لازمه موفقیت تحصیلی در سنین مدرسه است، توانمندی کسب کنند.

واژگان کلیدی: مهارت‌های شناختی - اجتماعی، نگرش، مادران، کودکان پیش دبستانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۷

۱. دکتری تخصصی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران،

تهران، ایران. (نویسنده مسئول*): Sajjadi.saeid@ut.ac.ir

۲. استاد ممتاز، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کاندیدای دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه

کودکی اولین و مهم‌ترین دوره زندگی انسان و دوره‌ای شاخص جهت توسعه مهارت‌های بنیادی است (مفیدی، ۲۰۱۴). در این دوره کودک یک یادگیرنده فعال در ساختار یادگیری و فهمیدن می‌باشد و دانشی که در این دوران به دست می‌آورد، بسیار مهم و تعیین‌کننده است (کروگ و اسلنتز، ۲۰۱۱). با توجه به این که مقدار قابل توجهی از یادگیری در سنین پایین اتفاق می‌افتد، آموزش صحیح و مؤثر در این دوره باعث رشد بهنجار در دوره‌های بعد خواهد شد (روسکوس، ۲۰۰۹). تجارب سال‌های اولیه کودکی، موجب شکل‌گیری پایه و اساس شخصیت کودک می‌شود. آگاهی از این موضوع ما را به سمت بیشترین سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش کودکان در سنین اولیه زندگی به عنوان پربازده‌ترین نوع مداخله نسبت به سال‌های بعد، سوق می‌دهد (هکمن و موسو، ۲۰۱۴). بر همین اساس در بیشتر کشورهای پیشگام از خدمات مراقبت کودکان و آموزش‌های جامع به آن‌ها در دوره پیش‌دبستانی استفاده می‌شود، به نحوی که امروزه تخمین زده می‌شود از هر چهار کودک، سه نفر از خدمات اولیه بهنگام استفاده می‌کنند (گوته و همکاران، ۲۰۱۷).

کسب مهارت‌های شناختی - اجتماعی باعث می‌شود تا کودک، اطلاعات را در ارتباط با دیگران تبادل، دریافت و پردازش کند. این روش‌ها شامل برخی فرآیندهای شناختی مانند ارتباطات و دیدگاه یادگیری است. چنین مهارت‌هایی را به عنوان توانایی تعامل با دیگران در موقعیت اجتماعی معین به روش ویژه تعریف می‌کنند که از نظر اجتماعی هم برای شخص و هم برای دیگران مفید است (فورستر، ۲۰۱۳). برقراری تعامل بین فردی مؤثر، یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان موفق است. در مدرسه دانش‌آموزان هر چه بتوانند با دیگران، اشیاء اطراف و حتی لحظه‌های زندگی خود ارتباط بهتر و مؤثرتری برقرار کنند، احساس موفقیت بیشتری خواهند داشت. از این رو دانش‌آموزانی که تعاملات بین فردی مناسبی دارند باید به روش‌ها و مهارت‌های ارتباطی مجهز گردند تا بتوانند ارتباط مؤثری با سایر افراد برقرار نمایند (هرناندز و همکاران، ۲۰۱۹).

مهارت‌های شناختی در دو دسته مهارت‌های تفکر و کارکردهای اجرایی قرار می‌گیرند. مهارت‌های تفکر شامل تفکر ادراکی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و فراشناخت است. کارکردهای اجرایی به فرآیندهای عالی و عصب شناختی لوب پیشانی مغز اطلاق می‌شود که جهت خودنظم‌دهی به رفتار به کار گرفته می‌شود. کارکردهای اجرایی برون‌دادهای رفتار را تنظیم می‌کند و معمولاً شامل بازداری و کنترل محرک‌ها،

۱ Krgoh, S. L., Slentz, K

۲ Roskos, K. A

۳ Heckman, J., Mosso, S

۴ Côté, S. M., & Colleague

۵ Forrester, M. A

۶ Hernández, P., & Colleague

حافظه‌فعال، انعطاف‌پذیری شناختی، برنامه‌ریزی و سازماندهی هستند. اختلال در هر کدام از مؤلفه‌ها، ممکن است باعث اثرات مخربی بر فعالیت‌های روزمره زندگی افراد مانند توانایی کار کردن، توانایی توجه و تمرکز در مدرسه، حفظ روابط اجتماعی و ایجاد رفتارهای اجتماعی و هیجانی نامناسب گردد (دنکلا؛ ۲۰۰۵). پژوهش‌های اخیر انجام‌شده بر روی مهارت‌های شناختی نشان می‌دهد که آموزش‌های دوران پیش از دبستان، نقشی بسیار مهم در یادگیری هر از سان و برپیشرفت دانش‌آموزان در سنین مدرسه دارند (نات‌براون؛ ۲۰۱۱).

برخی از محققان معتقدند که بسیاری از توانمندی‌های شناختی از جمله کارکردهای اجرایی در سنین سه تا هفت سالگی تغییراتی اساسی می‌یابند که این زمان، با حضور در مراکز پیش‌دبستانی مقارن است. در همین راستا، محققان معتقدند اوایل کودکی، به‌ویژه سال چهارم که مولفه‌های کارکرد اجرایی نقش محوری در انجام تکالیف شناختی ایفا می‌کنند، اساسی‌ترین زمان جهت رشد کارکردهای اجرایی است؛ به‌علاوه کارکرد اجرایی عاملی معنادار و پیش‌بینی‌کننده برای توانایی و پیشرفت تحصیلی در آینده است (ریم کافمن؛ ۲۰۰۹).

دانش‌آموزانی که در زمینه کارکردهای اجرایی توانایی بیشتری دارند، نسبت به همسالان خود عملکرد تحصیلی بالاتری نشان می‌دهند. به‌علاوه تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که در مقطع پیش‌دبستانی کارکردهای اجرایی قوی‌تری دارند از آموزش و تمرین، بهره بیشتری می‌برند. همچنین رشد سریع کارکردهای اجرایی در سنین پیش از دبستان، کودکان را قادر می‌سازد تا در انجام تکالیف، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند (بارکلی؛ ۲۰۰۱). یکی از مؤلفه‌های مهم کارکردهای اجرایی که در امر آموزش و پیشرفت تحصیلی ضروری است، توجه است (کِرک و همکاران؛ ۲۰۰۶). توجه به مجموعه‌ای از عملیات پیچیده ذهنی اطلاق می‌شود که شامل تمرکز کردن بر هدف یا درگیر شدن با آن، نگهداشتن یا تحمل کردن و گوش به‌زنگ بودن در یک زمان طولانی، رمزگردانی ویژگی‌های محرک و تغییر تمرکز از یک هدف به هدف دیگر است (سیدمن؛ ۲۰۰۶).

علاوه بر مسائل شناختی، یکی از نیازهای روان‌شناختی کودکان در مرحله رشدی پنج تا هفت سال، بازی با همسالان، استقلال از خانواده و شروع تعاملات بین فردی در بستر جامعه می‌باشد. این موضوع، از سویی به معنای نیاز به برقراری رابطه با همسالان بوده و از سویی دیگر آسیب‌پذیری این کودکان به‌علت نداشتن سطح مناسبی از مهار هیجانی و مهارت‌های رفتاری و تحول‌زبانی است. در این صورت، شکافی

۱ Denckla, M. B

۲ Nutbrown, C

۳ Executive Function

۴ Rimm-Kaufman, S. E

۵ Barkley, R. A

۶ Kirk, S., & Colleague

۷ Seidman, L. J

پدید می‌آید که از یک طرف تمایل و فشار موقعیتی برای تعامل با همسالان، و از دیگر سو ظرفیت شناختی و اجتماعی واقعی برای این تعامل جهت پرکردن این شکاف، نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کند (و بر و همکاران، ۲۰۱۸).

مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهایی تعریف شده است که به افراد توانایی شروع و حفظ روابط اجتماعی مثبت، تعامل برای پذیرش همسالان و رویارویی مثبت با مشکلات را می‌دهد. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی به اندازه کافی قوی هستند در مقایسه با کودکان فاقد این مهارت‌ها، در برقراری رابطه با همسالان و یادگیری در محیط‌های آموزشی، عملکرد بهتری دارند؛ زیرا داشتن مهارت‌های اجتماعی سبب بهبود روابط بین فردی، تحول اجتماعی و استقلال طلبی می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۲۰۱۹).

اكتساب مهارت‌های اجتماعی، محور اصلی تحول اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازش‌یافتگی اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به‌شمار می‌آید. همه زندگی، حل مسئله است. این توصیف کوتاه، تأکیدی است بر اهمیت و تلاش برای حل مشکلات کوچک و بزرگی که در زندگی روزمره ما روی می‌دهد. حل مسأله یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که می‌تواند بالندگی و بهداشت روانی کودکان را در مواجهه با مشکل‌های آینده حفظ و تقویت کند.

حل مسأله فرآیندی شناختی رفتاری است که طی آن، فرد یا گروه سعی بر آن دارند که به تشخیص یا کشف راه‌حل‌هایی برای مشکلی خاصی که با آن روبرو هستند، نائل آیند. یا به عبارت دیگر، این فرآیند مجموعه متفاوتی از راه‌حل‌هایی که به‌طور بالقوه می‌توانند در حل این مشکل مؤثر باشند را فراهم می‌سازد و احتمال‌گزینه‌ساز موثرترین راه حل از میان انتخاب‌های متفاوت را افزایش می‌دهد (ناردیناش و همکاران، ۲۰۱۷).

به‌منظور موفقیت و یا پیشرفت تحصیلی، وجود دو مولفه مهارت‌های تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی در کنار یکدیگر ضروری به‌نظر می‌رسد. متأسفانه امروزه توجه و تأکید سیستم‌های آموزشی به افزایش هوش دانش‌آموزان متمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انگاشته می‌شود در حالی که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره هوشی مناسب، فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند. از طرفی، با توجه به اهمیت دوران کودکی، اثرپذیری کودکان از محیط‌های آموزشی و دوام و عمق یادگیری در این سنین، یادگیری مهارت‌های زمینه‌ساز موفقیت تحصیلی، زمینه مناسبی برای کسب تجارب موفق بعدی کودکان فراهم می‌آورد. از این‌رو، در پژوهش حاضر با طرح سؤالاتی در زمینه مهارت‌های اصلی رشدی و شناسایی نگرش خانواده‌ها نسبت به مهارت‌های کودکان، عوامل مؤثر واکاوی شد و در نهایت سؤالات تکمیلی در مورد نقش مهارت‌ها در

۱ Weber, S., & Colleague

۲ Problem-Solving

۳ Nurdyansyah, N., & Colleague

راستای موفقیت تحصیلی مطرح شد تا در پی پاسخگویی به تمامی سوالات، نگرش مادران در مورد عوامل مؤثر بر کسب مهارت‌های شناختی- اجتماعی کودکان در سنین پیش‌دستانی واکاوی شود. سوالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشند:

۱. وقتی مهارت‌های حرکتی را می‌شنوید یاد چه چیزی در فرزندانتان می‌افتید؟ شما در حال حاضر این مهارت‌ها را چگونه توصیف می‌کنید؟ برای این مهارت‌ها چه چالش‌هایی را متصور می‌شوید؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟
۲. اگر مهارت‌های شناختی را حافظه کوتاه مدت، بلند مدت و فعال، توجه و تمرکز، حل مسأله و کارکردهای اجرایی بدانید، مهارت‌های فرزندتان را چگونه توصیف می‌کنید؟ برای بهبود چه اقداماتی را انجام داده‌اید؟ با چه چالش‌هایی مواجهه کرده‌اید؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟
۳. مهارت‌های اجتماعی فرزند شما با هم‌سالان خود چگونه است؟ برای بهبود چه اقداماتی را انجام داده‌اید؟ با چه چالش‌هایی مواجهه کرده‌اید؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟
۴. به نظر شما مهم‌ترین نیازهای فرزندتان جهت رشد مطلوب در سن ۳ تا ۵ سال چیست؟
۵. مهم‌ترین توصیه و پیشنهاد شما برای مادرانی که فرزند ۳ تا ۵ سال دارند چیست؟

روش پژوهش

برای شناسایی عوامل مؤثر در نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی در کودکان پیش‌دستانی، از رویکرد اکتشافی جهت کشف عوامل مؤثر در این زمینه استفاده گردید. پژوهش حاضر، با استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی می‌باشد و با بهره‌گیری از تجارب زیسته‌ی مادران، به دنبال کشف عوامل مؤثر در مهارت‌پروری در کودکان است. از آنجایی که پژوهشگر در این پژوهش، دیدگاه مادران در مورد مهارت‌ها را در بازه زمانی ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ تا ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ مورد شناسایی قرار داده و به دنبال توصیف و تبیین داده‌ها بدون اعمال استنباط‌های شخصی پژوهشگران و صرفاً استفاده از روایت‌های مشارکت‌کنندگان مورد توجه بوده است، لذا این مطالعه با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است.

روش انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش‌های کیفی از نوع هدفمند و تعداد آن نیز به سطح اشباع نظری سؤال‌های تحقیق بستگی دارد. محققان در این پژوهش تلاش کردند تا به صورت نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی با آن دسته از شرکت‌کنندگانی که حداقل دارای سن ۳۰ سال، حداقل تحصیلات لیسانس و دارای یک فرزند در سنین پیش‌دستان بودند، مصاحبه به عمل آورند که در مجموع با ۲۰ نفر از مادران مصاحبه انجام شد. در جدول ۱ ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش آورده شده است.

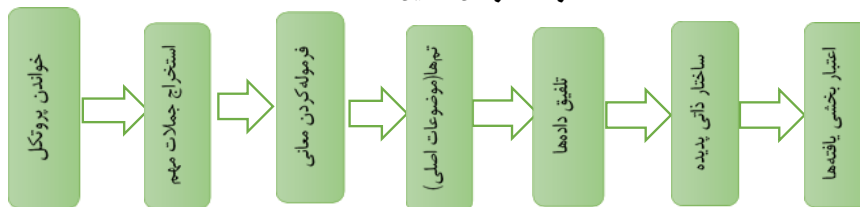
جدول ۱: ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شرکت‌کننده	سن	شرکت‌کننده	تحصیلات
۱	۳۰	۱۱	لیسانس
۲	۳۶	۱۲	لیسانس

لیسانس	۳۶	۱۳	لیسانس	۳۲	۳
لیسانس	۳۰	۱۴	لیسانس	۳۳	۴
لیسانس	۳۷	۱۵	لیسانس	۳۵	۵
فوق	۳۹	۱۶	لیسانس	۳۸	۶
لیسانس					
لیسانس	۳۵	۱۷	پزشک متخصص	۳۸	۷
لیسانس	۳۳	۱۸	لیسانس	۳۲	۸
لیسانس	۳۰	۱۹	لیسانس	۳۰	۹
داروساز	۳۹	۲۰	لیسانس	۳۱	۱۰

به‌منظور شناسایی ملاک‌های نگرش مادران نسبت به مهارت‌های کودکان در سن پیش‌دبستانی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت مطالعه روایی صوری پرسش‌های مصاحبه، با اساتید گروه روان‌شناسی و صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های کیفی مشورت به عمل آمد. در مصاحبه سیزدهم اشباع نظری داده‌ها حاصل شد ولی جهت اطمینان تا مصاحبه بیستم ادامه یافت و کد جدیدی استخراج نشد. اشباع نظری، زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در مرحله‌ای از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست‌یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند. به عبارت دیگر، سطح اشباع داده‌ها به مرحله‌ای از گردآوری داده‌ها اطلاق می‌شود که پاسخ‌های داده شده به سوالات تحقیق و یا مصاحبه‌های انجام شده کافی به‌نظر برسند، چرا که داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، مشابه و تکراری می‌شوند (محمدپور، ۲۰۱۱). سپس متن مصاحبه‌ها کلمه به کلمه پیاده‌سازی و دست‌نویس شد. سپس اطلاعات به دست‌آمده از مصاحبه‌ها با روش هفت مرحله‌ای کلایزی تحلیل شد. بدین ترتیب، تمامی توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کننده در مصاحبه که پروتکل نام دارد، خوانده شد تا پژوهشگر با آن خو بگیرد، سپس عبارات و کلمات کلیدی که مستقیماً با پدیده مورد مطالعه در ارتباط است، استخراج شد که این مرحله با عنوان «استخراج جملات مهم» نام‌گذاری شده است. در این مرحله سعی شد تا به معنای هر یک از جملات مهم پی‌برده شود که به این مرحله «فرموله کردن معانی» گفته می‌شود. در ادامه، مراحل فوق برای هر مصاحبه تکرار شد و معانی فرموله شده و مرتبط با هم در خوشه‌هایی از موضوعات اصلی قرار گرفت و نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش تلفیق شد. در مرحله بعد توصیف جامع پدیده مورد مطالعه به صورت یک بیانیه روشن و صریح از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه فرموله شده که تحت عنوان «ساختار ذاتی پدیده» نام‌گذاری می‌شود و در نهایت جهت اعتبار‌یابی یافته‌ها، مجدداً به شرکت‌کنندگان رجوع شد (کلایزی، ۱۹۹۷؛ به نقل از محمدزاده و صالحی، ۲۰۱۵).

نگاره ۱: مراحل تحلیل داده‌ها



برگرفته از محمدزاده و صالحی (۱۳۹۴)

روش شنا سن کیفی به جای استفاده از واژه پایایی، از ملاک اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد برای ارزیابی کیفیت نتایج تحقیق کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد، میزانی است که می‌توان به نتایج یک تحقیق کیفی اتکا و اعتماد کرد (صالحی و هم‌کاران، ۲۰۱۵). برای تأمین اعتمادپذیری از روش گو با و لینکلن (۱۹۸۵) استفاده شد. این دو محقق، چهار ملاک باورپذیری،^۲ اعتمادپذیری،^۳ تأییدپذیری و قابلیت انتقال^۴ را برای بررسی اعتماد معرفی کرده‌اند. باورپذیری با قابل باور بودن پژوهش در ارتباط است. باورپذیری را استدلال‌ها و فرآیندهای ضروری جهت اعتماد به نتیجه تحقیق می‌دانند (ابوالمعالی، ۲۰۱۲). در این پژوهش، جهت باورپذیری داده‌ها، از چهار روش ممیزی بیرونی،^۵ بازبینی نتایج توسط اطلاع‌رسان‌ها،^۶ چندسویه‌سازی و درگیری طولانی مدت استفاده شد.

چندسویه‌سازی: در چندسویه‌سازی، محقق علاوه بر شناسایی ادراک مادران با کار شنا سن نیز مصاحبه انجام داد و داده‌های به دست آمده از هر گروه مطابق با صحبت‌های گروه دیگر بود. در واقع صحت اطلاعات از چند جنبه مورد بررسی قرار گرفت.

- ممیزی بیرونی: در روش ممیزی بیرونی، فردی که به روش کار ما نظارت دارد، روش کار را مورد بازبینی قرار می‌دهد.
- روش کنترل مداوم: در ثبت داده‌های بخش کیفی، تلاش محققان بر این بود که فرآیند تحقیق با جزئیات دقیق ثبت شود. در این پژوهش از روش کنترل مداوم استفاده شده است تا روایی درونی یافته‌ها محقق شود.

^۱Guba, E. G., Lincoln, Y. S

^۲credibility

^۳dependability

^۴confirmability

^۵transferability

^۶external audit

^۷membercheck

^۸triangulation

^۹prolonged engagement

- بازبینی نتایج: در بازبینی و بررسی صحت اطلاعات به دست آمده، به منظور اعتباربخشی به داده‌های کیفی و اطمینان از موثق بودن داده‌ها، یافته‌های به دست آمده به شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه گردید و مورد تأیید آنان قرار گرفت.
- درگیری طولانی مدت: محققان، زمانی طولانی مدت (حدود ۴ ماه)، درگیر موضوع پژوهش بودند (صالحی و همکاران، ۲۰۱۵).

اعتماد پذیری و یا صحت داده‌ها، بیشتر به غنای داده‌ها، انسجام داده‌ها و توانایی تحلیل پژوهشگر بستگی دارد. اعتمادپذیری به وسعت تأیید تفسیر پژوهشگر توسط افراد دیگر اشاره دارد، یعنی به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا افراد دیگر غیر از پژوهشگر، تفسیر و نتیجه‌گیری او را تأیید می‌کنند (کینگ و هوراس، ۲۰۱۰ نقل از ابوالمعالی، ۲۰۱۲). در این پژوهش به منظور افزایش اعتمادپذیری و صحت داده‌ها، از سه نفر از اساتید آشنا به ماهیت مسئله پژوهش کمک گرفته شد تا به بررسی و میزان باورپذیری تفسیرهای به عمل آمده از سوی پژوهشگر، بپردازد.

به منظور ارزشیابی اتکاپذیری، لازم است تا پژوهشگر مدارک کافی مرتبط با پدیده مورد مطالعه را در اختیار داشته باشد و به طور مشروح و دقیق، رویه‌های مورد مطالعه، زمینه و شرایط پژوهش را توصیف نماید. (هومن، ۲۰۰۶) در پژوهش حاضر نیز سعی شد تا با تهیه مدارک کافی در خصوص پدیده مورد مطالعه، به طور دقیق رویه‌های مورد مطالعه، زمینه و شرایط پژوهش توصیف گردد.

یافته‌ها

با تکیه بر نکات استخراج شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یافته‌های بین‌المللی، پیامدهای برنامه مهارت‌های شناختی - اجتماعی بر نگرش مادران نسبت به کودکان پیش‌دبستانی مورد واکاوی قرار گرفت. در مجموع، ۲ مضمون اصلی به دست آمد و برای هر مضمون اصلی نیز، تعدادی زیرمضمون تقسیم‌بندی گردید. در واقع تحلیل عمیق مصاحبه مشارکت‌کنندگان، به استخراج ۲ مضمون اصلی شامل «مهارت‌های شناختی و مهارت‌های اجتماعی» منتج گردید (نگاره شماره ۲).

مضمون اصلی ۱: مهارت‌های شناختی

مهارت‌های شناختی، توانایی روانی است که با روند رشد فیزیکی همراه است و به ما اجازه می‌دهد اطلاعات مختلف را پردازش کنیم. به عبارت دیگر توانایی تفکر و استدلال، صحبت کردن، به خاطر سپردن، سازماندهی کردن، درک و فهمیدن، بخشی از آن است که در طول دوران کودکی پرورش پیدا می‌کند. از سن دو سالگی به بعد، مهارت‌های شناختی کودکان به طرز شگفت‌انگیزی رشد می‌کند. کودک قادر می‌شود به شکلی پیچیده فکر کند، از نمادها برای معرفی ذهنی اشیا که به شکل عینی حضور ندارند استفاده کند و سعی می‌کند اطلاعات ذهنی خود را به اشکال مختلف بیان کند (برک، ۲۰۱۴). در این

پژوهش، منظور از مهارت‌های شناختی، عواملی است که به موفقیت تحصیلی فرد در آینده کمک می‌کند. مضمون اصلی مهارت‌های شناختی در پژوهش حاضر را می‌توان در ۳ زیرمضمون دسته‌بندی کرد:

۱-۱: حافظه:

حافظه یک مفهوم کلی دارد و عبارت است از فرآیندی که به ساز و کار پویای مرتبط با ذخیره‌سازی، نگهداری و بازیابی اطلاعات اشاره دارد. توانایی یادگیری تا حد زیادی به حافظه وابسته است. وجود یک مشکل در حافظه، می‌تواند باعث بروز نشانگان متفاوتی شود که همگی به ماهیت و درج این دشواری به تکلیفی که باید یاد گرفته شود، بستگی دارد. اگر کودکی در بازشناسی و یا به‌خاطر آوردن اطلاعات شنیداری، دیداری و یا لمسی مشکل داشته باشد، عملکرد او در مورد هر تکلیفی به سختی دچار مشکل خواهد شد (میرزا، ۲۰۰۷). در این پژوهش، زیرمضمون حافظه به ۵ دسته تقسیم شده است:

۱-۱-۱: حافظه فعال:

حافظه فعال، سیستمی است که پردازش و ذخیره‌سازی موقت اطلاعات را برعهده دارد و برای عملکردهای سطح بالای شناختی نیز ضروری است. حافظه فعال، علاوه بر ذخیره اطلاعات و فرآیند پردازش اطلاعات، مسئولیت تسهیل و افزایش ظرفیت کارکرد کدگذاری و بازیابی اطلاعاتی که برای یادگیری مهم می‌باشند را نیز برعهده دارد. حافظه فعال، به‌عنوان یکی از سیستم‌های حافظه، اجازه حفظ اطلاعات را برای یک دوره زمانی کوتاه به فرد می‌دهد. این حافظه در خدمت اجرای مبتنی بر هدف، در طیف وسیعی از فعالیت‌های شناختی است (دیویس و همکاران، ۲۰۱۴). حافظه فعال با سواد خواندن، نوشتن و مهارت‌های محاسباتی مرتبط است و کودکانی که با حافظه فعال ضعیف به مدرسه وارد می‌شوند، بعید است که در یادگیری خواندن، نوشتن، ریاضیات و علوم در سه سال آینده در سطح مورد انتظار عمل کنند. کودکان با نقص در حافظه فعال، اغلب پیشرفت تحصیلی پایینی دارند، در دنبال کردن دستورالعمل‌ها شکست می‌خورند و در نتیجه از یادگیری به شکل جدی جلوگیری می‌شود (روبرت و همکاران، ۲۰۱۱). یکی از مادران در این مورد می‌گوید: «یکی از کارهای ما تو خونه اینه که یه قصه برایش میگم و بعد در مورد اون قصه ازش سوال می‌پرسم و خیلی خوب می‌تونه به همش جواب بده».

۱-۱-۲: پردازش دیداری:

پردازش دیداری، یکی از فرآیندهای روان‌شناختی پایه است که در پیشرفت تحصیلی و انجام مهارت‌های زندگی مستقل، نقش بسیار مهمی دارد. این مهارت در درک ریاضیات، شناخت عددی، خواندن، درک زوایا، اشکال هندسی، توانایی مورد نیاز نوشتن و دست‌خط نقش اساسی دارد. پردازش دیداری نه تنها بر یادگیری کودک مؤثر است، بلکه بر توانایی فکر کردن به‌شکل معمولی و حتی انجام فعالیت‌های ساده مانند جورکردن یک جفت جوراب یا انجام بازی‌های ساده تأثیرگذار است. پردازش دیداری به توانایی

۱ Myers, D. G

۲ Davis, N., & Colleague

۳ Roberts, G

سازمان‌دهی اطلاعات دیداری در الگوهای معنادار و درک چگونگی تغییرات، حرکت و چرخش آن‌ها در فضا اطلاق می‌شود. طبق نظریه شناختی کارل، هورن و کتل،^۱ پردازش دیداری به توانایی استفاده از تصاویر ذهنی مرتبط برای حل مسأله گفته می‌شود (اشنایدر و مک‌گریو، ۲۰۱۲). این مهارت، یکی از کارکردهای تخصصی نیمکره راست به شمار می‌رود و نقش بسیار مهمی در مهارت‌های پیچیده زندگی انسان ایفا می‌کند. نقش کارکردهای پردازش دیداری در رمزگشایی معنای بیان چهره‌ای و بسیاری از کارهای روزانه مانند تکمیل پازل، نقاشی کردن، بریدن و قیچی کردن مهم و ضروری می‌باشد. یکی از شرکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: «دختر من به کتاب‌داره که به شکل‌هایی در صفحه مخفی شده و باید اونو پیدا کنه. این فعالیت جز کارهای مورد علاقه و هر روزشه».

۱-۳-۱: بازشناسی:

بازشناسی به توانایی تشخیص رویدادها، اشیا یا مردم که قبلاً فرد با آن‌ها مواجه شده است، اطلاق می‌شود. زمانی که اتفاق تجربه شده مجدداً تجربه می‌شود، آن اتفاق با اتفاق ذخیره شده مشابه در حافظه هماهنگ شده و بازشناسی صورت می‌گیرد. بازشناسی، ساده‌ترین نوع حافظه است و تنها کاری که کودک باید انجام دهد این است که نشان دهد محرک جدید با محرک قبلی، همانند یا مشابه است. حافظه بازشناسی کودکان پیش‌دبستانی - توانایی تشخیص دادن این موضوع که آیا یک محرک به محرکی که قبلاً دیده است شباهت دارد یا خیر - به نحو عالی عمل می‌کند (برک، ۲۰۱۴). نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان تأییدکننده این موضوع است: «پسرم از همون دو سالگی به بعد خیلی خوب مسیرها را به ذهنش می‌سپرد و مسیرهای آشنا را با ناآشنا خیلی زود متوجه می‌شد و به می‌گفت و از اینکه در دست گرفته خیلی ذوق می‌کرد».

۱-۴-۱: یادآوری:

به عمل بازیابی اطلاعات از گذشته که طی فرآیندهای ذهنی در حافظه صورت می‌گیرد، یادآوری می‌گویند. این یادآوری از طریق رمزگذاری و ذخیره کردن صورت می‌گیرد. یادآوری کودکان خردسال بسیار ضعیف‌تر از بازشناسی آن‌ها می‌باشد. یادآوری نسبت به فرآیند بازشناسی، دشوارتر است، زیرا مستلزم یادآوری چیزی است که حضور ندارد. یادآوری بهتر در اوایل کودکی، ارتباط نیرومندی با رشد زبان دارد که بازنمایی‌های ذهنی با دوام تجربیات گذشته را به مقدار زیاد بهبود می‌بخشد. با این حال حتی کودکان پیش‌دبستانی که مهارت‌های زبان خوبی دارند، به‌طور نامناسبی یادآوری می‌کنند، زیرا هنوز در استفاده از راهبردهای حافظه ماهر نشده‌اند. راهبردهای حافظه، فعالیت‌های ذهنی عمدی هستند که احتمال یادآوری ما را افزایش می‌دهند. یک دلیل این امر که کودکان به ندرت از راهبردهای حافظه استفاده می‌کنند، این است که این راهبردها، حافظه کوتاه‌مدت محدود آن‌ها را عاجز می‌کنند. کودکان پیش‌دبستانی به سختی می‌توانند قطعه‌های اطلاعات را نگهدارند و در عین حال راهبردی را به کار برند (برک، ۲۰۱۴). یکی از مادران در این باره می‌گوید: «ما تو هفته این بازی را چندبار انجام میدیم که بهش میگم بیا تک تک

^۱ CHC

^۲ Schneider, W. J., McGrew, K. S

کارهایی که از صبح انجام دادیم را با هم بگیم. اولاً خیلی از کارهایی که انجام داده بودیم رو با دقت نمی‌گفت. ولی چندوقت که پشت هم باهاش کار کردم خیلی بهتر شده و همه را با جزئیات میگه».

۱-۱-۵: پردازش اطلاعات:

پردازش اطلاعات، روی راهبردهای ذهنی تمرکز می‌کند که کودکان برای تبدیل محرک‌هایی که وارد سیستم ذهنی آن‌ها می‌شوند، استفاده می‌کنند. اوایل کودکی، دوره پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه در بازنمایی‌های ذهنی می‌باشد و مؤلفه‌های مختلف کارکردهای اجرایی مانند توجه، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی اطلاعات، کودکان را قادر می‌سازند در موقعیت‌های چالش‌انگیز شناختی موفق شوند. کودکان پیش‌دبستانی، همچنین از زندگی خود آگاه‌تر شده و دانشی را فرامی‌گیرند که برای موفقیت تحصیلی اهمیت دارد (برک، ۲۰۱۴). یکی از مادران در این مورد می‌گوید: «حس می‌کنم نسبت به قبل، توجه و تمرکز و دلیل‌آوردنش خیلی پخته‌تر و بهتر شده».

۱-۲: حل مسأله:

حل مسئله، به فرآیند شناختی رفتاری اشاره دارد که طیفی از پاسخ‌های جایگزین و بالقوه را برای مقابله با شرایط دشوار فراهم کرده و امکان انتخاب مناسب‌ترین و موثرترین پاسخ را افزایش داده و فرد به واسطه آن، کنش‌های موثری برای مقابله با شرایط مشکل‌آفرین زندگی را شناسایی و کشف می‌کند. کودک برای تعامل نیازمند تفهیم موقعیت‌ها و مشکلات اجتماعی و انتخاب راهبرد مناسب در مواجهه با موقعیت مورد نظر است؛ به عبارتی کودک باید از توانایی و مهارت حل مسأله لازم در موقعیت‌های مختلف برخوردار باشد (شکوهی‌یکتا و همکاران، ۲۰۱۵).

حل مسأله دارای چهار مهارت نسبتاً مجزا است: ۱. به کارگیری قوانین موجود به منظور حل مسأله، ۲. تبدیل مسأله به اجزای کوچک‌تر (تعیین اهداف، خرده‌هدف‌ها و تعیین گام‌هایی برای مشکل‌گشایی)، ۳. انعطاف (استفاده از ابزار به شکل نوین و بدیع)، ۴. مدیریت منابع (تخصیص کارا و مؤثر منابع) (خویریه و هوسامه، ۲۰۱۸). یکی از مادران در مورد حل مسأله می‌گوید: «کوچک‌تر که بود مشکلی که پیش می‌آمد سریع می‌گفت تو انجام بده یا گریه می‌کرد که البته خودمم مقصر بودم و سریع براش انجام می‌دادم. از یجایی به بعد به خودم اومدم و دیدم خیلی به من وابسته شده. خیلی رو خودم و دخترم کار کردم تا بهتر شد. الان با یه چالشی که روبرو میشه خودش سریع میگه خب حالا باید فکر کنیم ببینیم چجوری میتونیم حلش کنیم».

۱-۳: بازی‌های هدفمند:

بازی موجب تحریک رشد و تحول شناختی کودک شده و از طریق توجه، تمرکز و از راه دستکاری اشیاء، کودک حقایق را کشف و تجربه کرده و این برخورد با واقعیت او را به فکر و تعمق واداشته و وسعت فکر، توانایی و دقت را در او به وجود می‌آورد. استفاده از بازی به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهبردهای آموزشی در جهت تقویت حافظه، افزایش دقت دیداری و شنیداری و در نهایت توانمندسازی کودکان می‌باشد. در پژوهشی از سمت عصب‌شناسان دانشگاه کالیفرنیا که بر روی نقش بازی بر کودکان انجام شد، به این

نتیجه رسیدند که انجام بازی‌های هدفمند می‌تواند توانایی کودک در حل مسئله، حافظه، تصمیم‌گیری و پردازش اطلاعات را افزایش دهد (زارع و جهان‌آرا، ۲۰۱۳). نظر یکی از مادران نیز تأیید کننده این اهمیت است و می‌گوید: «من و پسر من از همون اول تولدش تا الان خیلی بازی‌های مختلفی که از سایتا و پیجای مختلف می‌دیدم با هم انجام دادیم و این به نظرم تو توانمندی پسر من خیلی خیلی نقش داشته».

مضمون اصلی ۲: مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی، مجموعه رفتارهای آموخته شده‌ای است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش‌های نامناسب اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک‌کردن، آغازگر رابطه بودن، تعریف و تمجید از دیگران، تقاضای کمک‌کردن و قدردانی کردن نمونه‌های از این نوع رفتار هستند. یادگیری رفتارهای فوق و ایجاد رابطه اثربخش با دیگران یکی از دستاوردهای دوران کودکی است (بخشی، ۲۰۱۱). مفهوم مهارت‌های اجتماعی در این پژوهش، به برقراری رابطه مؤثر کودک با محیط همسالان و افراد جامعه اطلاق می‌شود. مضمون اصلی مهارت‌های اجتماعی در پژوهش حاضر را می‌توان در ۴ زیرمضمون دسته‌بندی کرد:

۲-۱: خانواده:

خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از چگونگی روابط اجتماعی آگاه می‌شود. کودکان نخستین دلبستگی عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در خانواده برقرار می‌سازند و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را در آن آغاز می‌کنند. در واقع خانواده، زنجیره ارتباطی اجتماع و تضمین‌کننده آرامش و ثبات جامعه است. خانواده جامعه کوچکی است که یکی از مهم‌ترین اهداف آن، رشد تکامل اجتماعی کودکان می‌باشد. بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اعتقاد دارند تجاربی که کودک در سال‌های اول زندگی که معمولاً در محیط خانواده کسب می‌کند، زیر بنای شخصیت و رفتارهای بعدی او را تشکیل می‌دهد. یکی از مادران درباره نقش خانواده می‌گوید: «باباش خیلی آدم اجتماعی و از همون اول با باباش خیلی می‌رفت بیرون و اینو می‌دید. به نظرم این یکی از چیزاییه که باعث شد خیلی خوب الان با آدم‌ها ارتباط بگیره».

۲-۲: کلاس‌های آموزشی:

پژوهشگران، انسان را محصول تعامل با محیط می‌دانند. در این میان، فضاهای آموزشی که در آن کودک برای کسب مهارت‌های لازم جهت زندگی در آینده آموزش می‌بیند، بسیار مهم تلقی می‌شود. بازی یکی از الزامات رشدی کودک است. کودکان در طی کلاس آموزشی و متعاقب آن بازی‌های آموزشی، به مفاهیم جدیدی دسترس پیدا کرده و مهارت‌های اجتماعی بیشتری را کسب می‌کند. آموزش از طریق بازی، به کودکان یاد می‌دهد چگونه خود را برای روبه‌رو شدن و غلبه بر مسائل آینده آماده کنند؛ زیرا ارتقای مهارت‌های اجتماعی کودکان نیازمند فعالیت‌های گروهی برنامه‌ریزی شده و ساختارمند می‌باشد. یکی از مادران در این مورد می‌گوید: «از شش ماهگی کلاس می‌بردمش و خوب خیلی تأثیر داشت و الانم که

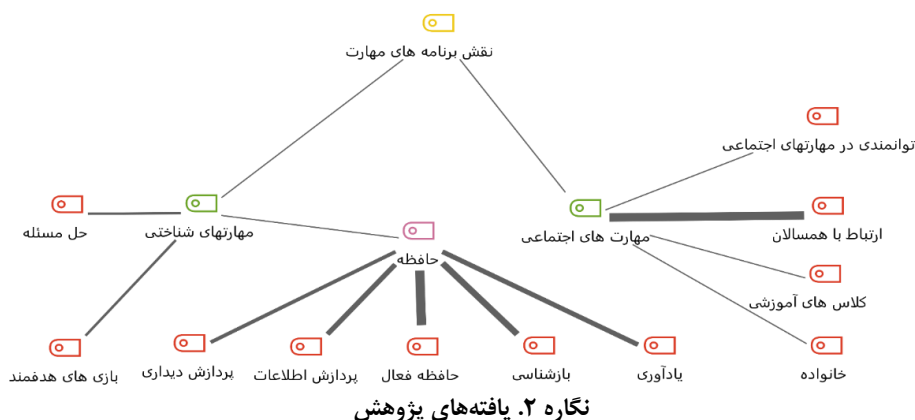
کلاس آنلاین میره خیلی خوب با بقیه همکلاسیاش ارتباط برقرار می‌کنه و تفاوتش با بقیه بچه‌ها کاملاً معلومه».

۲-۳: ارتباط با همسالان:

دوستان و همسالان علاوه بر این که از عوامل مهم اجتماعی شدن فرد به‌شمار می‌آیند، می‌توانند در یادگیری، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های کلامی فرد نیز نقش داشته باشند. در محیطی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت‌های اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می‌شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می‌یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می‌کند. ناتوانی در برقراری رابطه مطلوب بین همسالان، موجب طرد و عدم محبوبیت می‌شود. تحقیقات زیادی نیز نشان می‌دهند که مشارکت کودکان در فعالیت‌های گروهی و بازی با همسالان، موجب رشد اجتماعی آن‌ها می‌شود. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان نیز تأیید کننده این موضوع می‌باشد: «برای رشد مطلوب تو سن سه تا پنج سال، حتماً بچه‌ها باید با همسالان خود رابطه داشته باشن».

۲-۴: توانمندی در مهارت‌های اجتماعی:

کودکان پیش دبستانی جهت موفقیت در مدرسه، علاوه بر مهارت‌های فیزیکی و شناختی، به مهارت‌های اجتماعی نیز نیاز دارند. مهارت‌های اجتماعی، بخش مهمی از اجتماعی شدن و تحول کودک محسوب می‌شود و به‌وضوح نیازمند آموزش هستند. این مهارت‌ها می‌توانند به‌عنوان توانش‌های لازم جهت تطبیق با نیازهای اجتماعی و نیز حفظ روابط بین‌فردی رضایت‌بخش، تعریف شوند. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی توانمند هستند، در برقراری رابطه مؤثر با همسالان و فرآیند یادگیری در محیط آموزشی، عملکرد بهتری دارند؛ زیرا کسب این مهارت‌ها سبب بهبود تعاملات بین‌فردی و کاهش مشکلات رفتاری در این دانش‌آموزان می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۶). دیدگاه یکی از مادران در مورد توانمندی در مهارت‌های اجتماعی بدین شرح می‌باشد: «خیلی خوب با همه ارتباط می‌گیره و خودش برای رابطه میره پیش قدم همیشه».



بحث و نتیجه‌گیری

دوره کودکی به مثابه یک مرحله بسیار مهم در فرآیند تحول آدمی همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این گستره تحولی، مجموعه‌ای از تغییرات هیجانی، روانی و اجتماعی رخ می‌دهد که اساس زندگی حال و آینده فرد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو پژوهش‌ها با هدف واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی - اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی انجام شده که نتایج آن شامل مضمون‌های اصلی مهارت‌های شناختی با ۷ زیرمضمون «حافظه فعال، پردازش دیداری، بازشناسی، یادآوری، پردازش اطلاعات، حل مسأله و بازی‌های هدفمند» و مهارت‌های اجتماعی با ۴ زیرمضمون «خانواده، کلاس‌های آموزشی، ارتباط با همسالان و توانمندی در مهارت‌های اجتماعی» می‌باشد.

یکی از عواملی که به‌طور مستقیم بر سطح سواد مردم یکی جامعه اثر می‌گذارد کیفیت آموزش و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی هر کشور به‌ویژه آموزش دوره پیش از دبستان و دبستان است (بدریان و کیامنش، ۲۰۰۸). به‌همین دلیل، امروزه اهمیت و ضرورت آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است که افزایش روزافزون متقاضیان آموزش‌های این دوره، نیازهای والدین و اهمیت دوران کودکی، ضرورت تهیه برنامه‌ریزی را در این دوره نشان می‌دهد. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که موفقیت کودکان در مدرسه تا حدی به آموزش‌ها و مهارت‌هایی بستگی دارد که قبل از ورود به مدرسه تجربه می‌کنند. به‌نظر می‌رسد توجه به مهارت‌های اصلی رشدی مانند مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های شناختی و مهارت‌های اجتماعی از عواملی است که در این دوره باید پیش‌بینی و بر آموزش آن تأکید گردد. نتیجه‌پرداختن به این امور در دوره پیش از دبستان، می‌تواند در مراحل بعدی زندگی کودک به‌ظهور رسد و موجب ارتقاء رشد اجتماعی و موفقیت تحصیلی گردد.

مهارت‌های اجتماعی که از مضمون‌های اصلی این پژوهش می‌باشد، از مهارت‌های بسیار اساسی در روند رشد کودک می‌باشد. انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است؛ بسیاری از نیازهای عالی انسان، استعدادها و توانایی‌های او تنها از طریق تعاملات بین‌فردی و ارتباطات اجتماعی می‌تواند شکوفا شود. بدون تردید از نظر اجتماع، مهم‌ترین بعد شخصیت افراد، بعد اجتماعی است. رشد و تکامل انسان در دوره کودکی از نظر رشد اجتماعی، عاطفی، شناختی و جسمانی دارای ویژگی‌هایی است که توجه به آن‌ها می‌تواند کودک را از نظر سلامت روانی تأمین کند. نتایج این پژوهش نشان داد که کودکان بدون رشد اجتماعی و داشتن مهارت‌های لازم، قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین و وظایف خود را انجام دهند. مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز برای زندگی جمعی، طی فرآیند اجتماعی شدن که یکی از ضرورت‌های زندگی انسان است، کسب می‌شود. رشد اجتماعی نه‌تنها در سازگاری با اطرافیان موثر است بلکه در آینده بر میزان موفقیت تحصیلی، شغلی و پیشرفت اجتماعی نیز مؤثر خواهد بود. همچنین رفتار اجتماعی مناسب، اکتسابی و در بافت خانواده یاد گرفته می‌شود و با تمرین و تکرار نهادینه می‌شود که با تحقیقات ابراهیمی و همکاران (۲۰۱۹) همسو است.

بازی‌های هدفمند و شرکت در کلاس‌های آموزشی، از دیگر مضمون‌های پژوهش حاضر می‌باشد. یکی از معضلات امروز جامعه، عدم تحرک کافی در بین کودکان است که خلاف فطرت وجودی هر انسان است.

تجارب حرکتی در رشد اجتماعی نقش بسزایی دارند (عمارتی و همکاران، ۲۰۱۲). یکی از این تجارب، بازی است. در جریان بازی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کودکان تحول پیدا می‌کند و در چنین چارچوبی می‌توانند با بازسازی مکرر موضوعات و رویدادهای مهم، احساسات و هیجانات خود را ابراز کرده، به بینش جدیدی دست یابند و شیوه‌های سازش‌یافته‌تر بیان حل مسأله را فراگیرند. بازی بیشتر ناشی از انگیزه درونی است و در واقع بازتاب درون کودک است. همچنین کودکان، در جریان بازی با همسالان می‌توانند به صورت غیرمستقیم آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را فرا بگیرند (تسای، ۲۰۱۳).

از دیگر مضامین اصلی این پژوهش، مهارت‌های شناختی و کارکردهای اجرایی می‌باشد. مهارت‌های شناختی، فرایندهایی است که در گذر آن مهارت‌های تفکر کودک گسترش می‌یابد. این فرایند شامل تشخیص، تصور، ادراک، استدلال و حل مسأله است. رشد این مهارت‌ها به کودک کمک می‌کند تا دنیای اطراف خود را بهتر شناخته و از اندیشیدن لذت ببرد. بدون شک، ارتقای این مهارت‌ها موفقیت‌های او را در سال‌های بعد در پی خواهد داشت؛ زیرا کودک در مواجهه با امور روزمره نیازمند درک کردن، تشخیص دادن، تفکر کردن و حل مسأله است. او برای اینکه بتواند محیط پیرامون خود را بشناسد، نیازمند این مهارت‌هاست. بنابراین موفقیت مربوط به زندگی آینده او در گرو توانایی وی در به کارگیری مهارت‌های شناختی است.

بر اساس مشاهدات و داده‌های تجربی، به نظر می‌رسد که آموزش‌های مقطع پیش از دبستان، تأکید عمده بر آموزش مهارت‌های تحصیلی و آماده کردن کودک برای ورود به مدرسه است. این روی آورد باعث شده است آموزش حل مسأله که از زیرمضمون‌های این پژوهش نیز می‌باشد، در سایه قرار گرفته و موجب می‌شود تا مشکلات عمده‌ای به علت خلاء مهارت‌آموزی برای کودکان پدید آید، زیرا حل مسأله از مهارت‌هایی است که در صورت آموزش می‌تواند بالندگی و بهداشت روانی کودکان را در مواجهه با مشکلات آینده حفظ و تقویت کند که این نتیجه با نتایج تحقیقات بخشایش و دهقان زردینی (۲۰۱۴) همخوان است که در پژوهش خود دریافتند که آموزش مهارت حل مسأله به دانش‌آموزان، موجب پرورش مهارت‌های اجتماعی و رفتاری لازم در آن‌ها می‌شود و توانایی مؤثر بودن، غلبه بر مشکل، توانایی برنامه‌ریزی و انجام رفتارهای هدفمند و متناسب با مشکل در آن‌ها افزایش می‌یابد.

در این پژوهش سعی شد نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی - اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی واکاوی و شناسایی شود. به نظر می‌رسد با به کارگیری و در نظر گرفتن عوامل شناسایی شده، بتوان قدم‌های بنیادینی در تربیت فرزندی موفق و شکوفای طی نمود.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، تمام مصاحبه‌شوندگان به طور آگاهانه و با رضایت شخصی در مطالعه شرکت کردند و از آنها رضایت‌نامه کتبی اخذ شد. و در جهت رعایت حقوق شرکت‌کنندگان و رعایت اصل رازداری، اطلاعات افراد بدون اخذ نام و نام خانوادگی ثبت و ضبط شد و تحلیل‌ها نیز به شکل ناشناس انجام شد، به طوری که امکان بازگشت به افراد از طریق اطلاعات میسر نبود.

مشارکت نویسنده‌گان

در این پژوهش تمامی نویسندگان در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش‌های پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند. به این ترتیب که آقای سعید سجادی، نگارنده قسمت مقدمه و بحث و نتیجه‌گیری، آقای غلامعلی افروز در بازمینی ویراستاری و مدیریت مداخله و خانم معصومه ضابطی مسئول انجام مصاحبه‌ها و نگارنده قسمت یافته‌ها می‌باشند.

محدودیت و پیشنهادات

۱. با توجه به کمبود پژوهشی در زمینه واکاوی مهارت‌های اصلی رشد در دوره پیش‌دستانی، پیشنهاد می‌شود این پژوهش به سه صورت تکرار شود: تکرار کامل (اجرای مجدد پژوهش توسط همین پژوهشگران)، تکرار حقیقی (اجرای مجدد پژوهش با پژوهشگران دیگر با همین روند پژوهشی) و تکرار نظام‌مند (اجرای مجدد پژوهش در جمعیت دیگر).

۲. متأسفانه امروزه توجه و تأکید سیستم آموزشی به افزایش هوش دانش‌آموزان متمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انگاشته می‌شود در حالی که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره هوشی مناسب، فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود ساز و کاری تدوین و اجرا شود تا کودکان قبل از ورود به سن مدرسه، با مطالعه و مشورت از متخصصین این حوزه با درایت بیشتر در مسیر مهارت‌های اجتماعی گام بردارند.

۳. در بسیاری از خانواده‌ها، آموزش مسائل شناختی و اجتماعی صرفاً به محیط‌های آموزشی مانند مهدکودک‌ها سپرده می‌شود در صورتی که خانواده به‌عنوان مراقبان اصلی کودک، باید به آموزش این مهارت‌ها از همان دوران اولیه کودکی اهمیت بدهند. در نتیجه پیشنهاد می‌شود این مهارت‌ها از بدو تولد به خانواده‌ها آموزش داده شود تا در جهت انتقال یادگیری منسجم و کارآمد مهارت حل مسأله و مهارت‌های اجتماعی کودکان مؤثر باشد.

تضاد منافع

بنابراین اظهار نویسندگان این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی نداشته است.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگانی که در فرآیند نمونه‌گیری ما را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

- Abolmaali, K. (2012). *Qualitative research: from theory to practice*: Alam Publication. pp: 113-136. [Persian].
- Badrian, A., Kiamanesh, A. R. (2008). *The need for rethinking the chemistry curriculum of different courses*. 7th National Conference of Iranian Curriculum Studies Association, Tehran Teacher Training University. [Persian].
- Bakhshayesh, A., Dehghan Zardini, R. (2014). Effectiveness of problem solving skill training on reducing of behavioral problems among students. *International Journal of Behavioral Sciences*, 7(4), 347-353. . [Persian].
- Bakhshi, M. (2011). The effect of mind theory training on the social skills of students with mental disabilities aged 8 to 11 years. *Master Thesis in Exceptional Child Psychology and Education. Faculty of Psychology*, Tehran University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [Persian].
- Barkley, R. A. (2001). *The executive functions and self-regulation: An evolutionary neuropsychological perspective*. *Neuropsychology review*, 11(1), 1-29.
- Bekman, B (2015). Students' Goal Orientations and Cognitive Engagement In Classroom Activities. *Journal Of Educational Psychology*, 80, 514-523.
- Berk, L. (2014). *Development through the lifespan*. (Seyed Mohammadi, Yahya). Tehran: Arasbaran publication. . [Persian].
- Côté, S. M., Larose, M. P., Geoffroy, M. C., Laurin, J., Vitaro, F., Tremblay, R. E., & Ouellet-Morin, I. (2017). Testing the impact of a social skill training versus waiting list control group for the reduction of disruptive behaviors and stress among preschool children in child care: the study protocol for a cluster randomized trial. *BMC psychology*, 5(1), 1-9.
- Denckla MB. (2005). Executive function. In: Gozal D, Molfese DL, editors. *Attention deficit hyperactivity disorder*. Berlin:Springer, 165-183.
- Davis, N., Sheldon, L., & Colmar, S. (2014). Memory mates: A classroom-based intervention to improve attention and working memory. *Australian Journal of Guidance and Counselling*, 24(01), 111-120.
- Ebrahimi, T., Aslipoor, A., Khosrojavid, M. (2019). The Effect of Group Play Therapy on Aggressive Behaviors and Social Skills in Preschool Children. *Journal of Child Mental (Journal of Child Mental Health)*, Volume 6, Number 2; Page(s) 40 To 52. . [Persian].
- Emarati, F., Namazizadeh, M. Mokhtari, P., Mohammadian, F. (2012). Effects of selected elementary school games on the perceptual-motor ability and social growth of 8-to-9 year-old female students, *Journal of Research in Rehabilitation Sciences*, 7(5), 661. . [Persian].
- Forrester, M. A. (2013). *The development of young children's social-cognitive skills*. Psychology Press.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Methodological Epistemological Inquiry. *Educational Technology Research and Development*. 30(4), 233-252.
- Heckman, J. J., & Mosso, S. (2014). *The economics of human development and social mobility*. *Annu. Rev. Econ.*, 6(1), 689-733.

- Hernández-Lastiri, P., Borges, Á., & Cadenas, M. (2019). *Differences in Mechanisms of Social Interaction of Gifted Children Based on Peer Acceptance*. *Acción Psicológica*, 16(1), 13-30.
- Hooman, H. A. (2006). *A practical guide to qualitative research*. Tehran: Samat Publications. [Persian].
- Khoiriyah, A. J., & Husamah, H. (2018). Problem-based learning: Creative thinking skills, problem-solving skills, and learning outcome of seventh grade students. *JPBI (Jurnal Pendidikan Biologi Indonesia)*, 4(2), 151-160.
- Kim, H., Carlson, A. G., Curby, T. W., & Winsler, A. (2016). *Relations among motor, social, and cognitive skills in pre-kindergarten children with developmental disabilities*. *Research in developmental disabilities*, 53, 43-60.
- Kirk, S., Gallagher, J. J., & Coleman, M. R. (2014). *Educating exceptional children*. Cengage Learning.
- Krogh, sl, slentz. K. (2011). *Early chidhood education yesterday. Tomorrow*. Published the uk, Cambridge university.
- Myers, D. G. (2007). *Do what you feel, maybe: The powers and perils of relying on intuition*.
- Mofidi, F. (2014). *Foundations of education in preschool*. Tehran: SAMT publication. [Persian].
- Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative Research Method of Anti-Method 1-Logic and Design in Qualitative Methodology*. Tehran: Sociologists Publication. [Persian].
- Mohammadzadeh, Z., Salehi, K. (2015). Pathology of scientific vitality and dynamism in scientific and academic centers: A study according to “Phenomenology”, *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 3(11), 1. [Persian].
- Nurdyansyah, N., Siti, M., & Bachtiar, S. B. (2017). *Problem Solving Model with Integration Pattern: Student’s Problem Solving Capability*.
- Nutbrown, C. (2011). *Key concepts in early childhood education and care*. Sage.
- Rimm-Kaufman, S. E., Curby, T. W., Grimm, K. J., Nathanson, L., & Brock, L. L. (2009). *The contribution of children’s self-regulation and classroom quality to children’s adaptive behaviors in the kindergarten classroom*. *Developmental psychology*, 45(4), 958.
- Roberts, G., Quach, J., Gold, L., Anderson, P., Rickards, F., Mensah, F., ... & Wake, M. (2011). *Can improving working memory prevent academic difficulties? A school based randomised controlled trial*. *BMC pediatrics*, 11(1), 1-9.
- Roskos, K. A., Tabors, P. O., & Lenhart, L. A. (2004). *Oral Language and Early Literacy in Preschool: Talking, Reading, and Writing*. *International Reading Association*, Headquarters Office, 800 Barksdale Rd., PO Box 8139, Newark, DE 19714-8139.
- Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., Shokoohi-Yekta, M. (2015). Representing the Teacher’s Perceptions and Lived Experiences of the Possible Damages for Implementing the Descriptive Evaluation Scheme in Primary Schools, *Journal of Measuring and Educational Evaluation Studies*, 5(9), 59-99. [Persian].
- Schneider, W. J., & McGrew, K. S. (2012). *The Cattell-Horn-Carroll model of intelligence*.

- Seidman, L. J. (2006). *Neuropsychological functioning in people with ADHD across the lifespan*. *Clinical psychology review*, 26(4), 466-485.
- Shokoohi-Yekta, M., Zamani, N., Pourkarimi, J. (2015). Effects of Problem-Solving Instruction on Improving Social Skills and Decreasing Behavioral Problems: A Single subject Study on slow-learner students, *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 10(4), 7-32. . [Persian].
- Tsai, M. H. (2013). *Research in play therapy: A 10-year review in Taiwan*. *Children and Youth Services Review*, 35(1), 25-32.
- Weber, S., Kronberger, N., & Appel, M. (2018). *Immigrant students' educational trajectories: The influence of cultural identity and stereotype threat*. *Self and Identity*, 17(2), 211-235.
- Zare, H., & Jahanara, A. (2013). *The Effect of Computer Games on Information Processing In Young Adults*. *Taffakor va Kudak (Thinking and Children)*, 4(1 (7)), 27-49. . [Persian]